بسمه تعالی

سیاست خارجی ایران دور دولت حسن روحانی

واقعیت آن است که دولت احمدی نژاد زودتر از پایان رسمی‌اش پایان یافته بود؛ بخشی از این پایان زودهنگام البته تکرار شونده و مرسوم است: دولتی که مستعجل است و رو به رفتن، انگیزه کمتری برای ابتکار عمل به خرج دادن دارد و تلاش می کند با ثبت دستاوردها یا دستاوردسازی‌هایش مقدمه کنشگری‌های خود در آینده را فراهم آورد. به ویژه در مورد خاص دولت احمدی نژاد، با توجه به درگیری‌های لفظی و عملی بین رئیس جمهور و رهبری نظام بعد از قضایای انتخابات ۱۳۸۸، موضوع علاوه بود و برای دولتی‌ها مسلم آمده بود که اقبالشان برای باقی ماندن در قدرت ناچیز است.

همچنین موضوع هسته‌ای بعد از شکست خوردن تلاش مشترک با ترکیه و برزیل عملاً طی توافقی نانوشته و ناگفته از دست دولت خارج شد، سعید جلیلی از گفتمان درون دولتی فاصله گرفت و نهایتاً خط عمان به ابتکار دکتر علی اکبر صالحی نیز زیر نظر رهبری و با ابتکار عمل وزیر خارجه و بدون حمایت دولت و رئیس جمهور و حتی مقابله دبیر شعام آغاز شده بود.

بی ثمر بودن مذاکرات سعید جلیلی، کاهش صادرات نفت و درآمدهای حاصل از آن و نهایتاً از دست رفتن عنان اقتصاد موجب درخواست و مطالبه تغییر شد: مردم که روزی با نارضایتی‌های نالازم از رای به تداوم دولت و گفتمان محمد خاتمی امتناع کردند، حالا برای خارج شدن از بن بستی که احمدی نژاد رقم زده بود با چراغ پی تکرار دوران اصلاحات می‌گشتند.

انتخاباتی که بدواً بی رمق می‌نمود اولاً با رد صلاحیت اکبر هاشمی رفسنجانی و سپس با پخش مناظرات زنده تلویزیونی، دیرهنگام رونق گرفت. این شاید نخستین بار بود که سیاست خارجی، محور اصلی رقابت‌های انتخابات ریاست جمهوری بود. معارضه اصلی بین علی اکبر ولایتی و روحانی از یک طرف و سعید جلیلی در طرف دیگر و از قضا بر سر موضوع هسته‌ای واقع شد. بعد از شش سال که پرونده هسته‌ای وجه امنیتی بیشتری پیدا کرده و نقد روش مذاکراتی کشور ممکن نبود، نخستین بار روش مذاکره رسمی کشور علناً و در بالاترین سطح به چالش کشیده می‌شد.

باید اذعان کرد که شور انتخاباتی در این سال از چهارشنبه پیش از انتخابات آغاز شد ولی به هر حال حسن روحانی با بیش از نیمی از آراء با شعار تعامل سازنده با جهان و نمایش اراده علنی و عمده به گشایش در مناسبات خارجی کشور انتخاب شد. در زمان انتقال یکی از مهم‌ترین امور که هنوز طبقه بندی بود، پرونده مذاکرات عمان بود که با دستور رهبری به دکتر روحانی و با دستور ایشان برای دکتر ظریف توضیح داده و اسناد آن به ایشان ارائه شد.

ساسان کریمی
تهران، خیابان امیرآباد شمالی،
پردیس شمالی دانشگاه تهران،
دانشکده مطالعات جهان، اتاق ۴۰۱
شماره تلفن: ۰۲۱۸۸۸۷۵۹۲۰
sasankarimi.ir
sasan.karimi@ut.ac.ir

بلافاصله پس از ورود دکتر روحانی به پاستور و اخذ آراء اعتماد مجلس به وزرا و ذیل یکی از نخستین ابلاغ‌ها، پرونده هسته‌ای از دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی به وزارت امور خارجه منتقل شده و وزیر امور خارجه مسئول مذاکرات شد. نخستین مذاکره در حاشیه جلسه مجمع عمومی ملل متحد (سپتامبر ۲۰۱۳)، به صورت مستقیم و در سطح وزرا، در قالب مذاکره با ۵+۱ انجام شد. اتاق روسیه در جوار شورای امنیت ملل متحد میزبان نشستی بود که برای نخستین بار بعد از ده‌ها سال، وزرای خارجه ایران و امریکا را در یک قاب به دوربین‌ها نشان می‌داد.

اعتمادسازی متقابل از همان جا آغاز شد:

- برای رسیدن به مقصود شما، نیازی نیست ما از مقصودمان دور شویم و بالعکس؛
- ایران می‌خواهد تکنولوژی بومی هسته‌ای خود را حفظ کند و گروه ۵+۱ می‌خواهند مطمئن شوند تمام راه‌های ایران برای رسیدن به سلاح هسته‌ای مسدود است؛
- قرار نیست موضوعات دیگر اختلاف، مانع رسیدن به چنین تفاهمی شوند؛
- در ابتدای مسیر مذاکرات طولانی هسته‌ای (در زمان دولت خاتمی)، ایران ۲۰۰ سانتریفیوژ و +۷٪ رشد اقتصادی داشت. حالا ۲۰۰۰۰ سانتریفیوژ و –۷٪ رشد اقتصادی دارد. این یعنی هم ایران و هم طرف مقابل در این سال‌ها بازنده بوده‌اند؛
- چشم انداز این مذاکره باید مشخص باشد.

مذاکرات فشرده آغاز شد. یکی از مشکلات ایران و امریکا، وصل کردن دو خط مذاکره به هم بود: خطی دوجانبه که در مسقط شکل گرفته بود و خط دیگری که ناکام ولی قدیمی بود و بین ایران و ۵+۱ در حال انجام بود. طرف‌های غیر امریکایی مقابل از وجود خط دیگر مذاکرات شگفت زده شده و احساس کنار گذاشته شدن کردند. ولی به هر حال و با تلاش به ویژه ایران و امریکا در سطح وزرای خارجه، و با مسئولیت پذیرفتن نماینده سیاست خارجی اتحادیه اروپایی طرف‌ها در آذر ۱۳۹۲ به توافقی زودهنگام ولی موقتی دست یافتند که به برنامه اقدام مشترک نام گرفت. در این مرحله ضمن بلااثر کردن مواد ۲۰٪ ایران که نگرانی فوری همه طرف‌های مقابل بود، تحریم‌ها متوقف، ۱,۷ میلیارد دلار وجه نقد به ایران پرداخته و محدودیت‌های ایران تا حد قابل قبولی تلطیف شدند.

این آغاز راه مذاکرات بود و همانطور که مقرر بود زمینه برای مذاکراتی طولانی تر و جامع ولی صرفاً در مقوله هسته‌ای فراهم شد. در واقع اختیارات مذاکراتی تیم ایرانی نسبت به دوران سعید جلیلی کاهش یافته بود و به موضوع هسته‌ای محدود بود. پس از ۱۴ ماه

ساسان کریمی
تهران، خیابان امیرآباد شمالی،
پردیس شمالی دانشگاه تهران،
دانشکده مطالعات جهان، اتاق ۴۰۱
شماره تلفن: ۰۲۱۸۸۸۷۵۹۲۰
sasankarimi.ir
sasan.karimi@ut.ac.ir

مذاکره فشرده نهایتاً در تیرماه ۱۳۹۴ برجام (برنامه جامع اقدام مشترک) در ۱۵۴ صفحه میان ایران از یک سو، گروه ۵+۱ و اتحادیه اروپایی از یک سوی دیگر منعقد شد. آژانس بین‌المللی انرژی اتمی موضوعات قدیمی خود موسوم به ابعاد احتمالاً نظامی برنامه هسته ای ایران را بسته و مرتفع شده اعلام کرد و گفت که دیگر در آن زمینه سوالی ندارد؛ موضوعاتی که همواره زمینه فشار به جمهوری اسلامی ایران را در شورای حکام آژانس فراهم می‌نمود.

در عین حال، رقابت‌های داخلی از ابتدای مذاکرات آغاز شده و مرتباً فشار داخلی بر گرده مذاکره کنندگان سنگینی می‌کرد. دولت روحانی موفق شده بود با انعقاد توافق موقت ژنو تورم کشور را از بیش از ۴۰ در صد به ۲۵ درصد در ۶ ماه کاهش دهد. همچنین رشد اقتصادی فوراً و بر اساس فضای شکل گرفته حول مذاکرات از -۷٪ به صفر افزایش پیدا کرد. دولت با آشفتگی مدیریتی بسیار بی سابقه‌ای مواجه شده بود. انتظار جامعه به شدت افزایش پیدا کرده بود و از روحانی توقع جادو کردن به وجود آمده بود و البته تبلیغات جناح مقابل بدون توجه به مصاف خارجی در حال انجام کشور در این مساله تأثیر اساسی داشت.

با انعقاد برجام، فروش نفت کشور به سیاق سابق خود برگشت و این البته معجزه وزارت نفت در دوران مهندس زنگنه بود: نه باز پس گرفتن سهم فروش در اوپک کار ساده‌ای بود و نه احیای توان تولید. فروش نفت ایران به ۲,۵ میلیون بشکه در روز افزایش پیدا کرد. گشایش‌های بانکی و اعتباری کشور موجب واردات بسیاری از تأسیساتی شد که سال‌ها گلوگاه بخش‌های مختلف کشور بودند. بازرگانان و صاحبان صنایع از آسیا و اروپا به ایران سرازیر شده بودند و هیچ هتلی در تهران اتاق خالی نداشت. واردات و انتقال پول و صادرات با سهولت انجام می‌شد. اما رقابت دائمی داخلی، ملی ندیدن موضوع برجام و به نتیجه رسیدن این نوع حل مساله در کشور از یک طرف و رقابت داخلی در ایالات متحده امریکا و به ویژه از جانب کاندیدای جدید ریاست جمهوری (ترامپ) با رئیس جمهور مستقر (اوباما) موجب رفته برجام به مسلخ شد.

پس از برجام انتخابات مجلس و سپس دوره دوم ریاست جمهوری حسن روحانی با سلام و صلابت برگزار شد و برنده هر دو، جناح معتدل و اصلاح طلب بودند. با اتمام انتخابات ۱۳۹۶ و در حالی که تقریباً در کشور هیچ گلوگاه و گره اساسی بدون چشم انداز و راه حل باقی نمانده بود، رقابت های داخلی شکل دیگری پیدا کرده و در همان سال انتخابات به درگیری های عجیب و گسترده ای در تمام کشور منجر شد. از پی این اغتشاشات ترامپ اعلام کرد که در ماه های آینده از برجام خارج خواهد شد مگر اینکه ایران حاضر به مذاکره مجدد باشد که البته این خلاف مواضع اصولی جمهوری اسلامی ایران بود.

ساسان کریمی

تهران، خیابان امیرآباد شمالی،
پردیس شمالی دانشگاه تهران،
دانشکده مطالعات جهان، اتاق ۴۰۱
شماره تلفن: ۰۲۱۸۸۸۷۵۹۲۰
sasankarimi.ir
sasan.karimi@ut.ac.ir

با خروج ایالات متحده از برجام، اروپا تلاش کرد با طراحی سازوکاری این خروج و در نتیجه بازگشت تحریم های امریکا را جبران کند که موفق نشد. اراده اروپایی در سال های گذشته به شدت تحت تأثیر امریکا قرار داشته است. اروپایی ها علناً می گفتند شرکت های اروپایی بیش از بروکسل به واشنگتن نگاه می کنند.

ساسان کریمی

تهران، خیابان امیرآباد شمالی،
پردیس شمالی دانشگاه تهران،
دانشکده مطالعات جهان، اتاق ۴۰۱
شماره تلفن: ۰۲۱۸۸۸۷۵۹۲۰
sasankarimi.ir
sasan.karimi@ut.ac.ir